

مسئولیت اعضای سازمان‌های بین‌المللی در پرتو طرح مسئولیت کمیسیون حقوق بین‌الملل

سید فضل‌الله موسوی^۱

ناصر خداپرست^۲

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۹/۲۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۱۲/۲۶)

چکیده

هنگامی که یک سازمان بین‌المللی یک عمل متخلفانه بین‌المللی را انجام می‌دهد، تنها آن سازمان بین‌المللی متحمل مسئولیت و ملزم به جبران خسارت می‌باشد و اعضای سازمان به هیچ وجه مسئول تلقی نمی‌شوند. این نظریه امروزه در حقوق بین‌الملل از جایگاه بسیار ضعیفی برخوردار است زیرا رویه ثابت کرده است که در مواردی دولت‌های عضو یک سازمان با انجام اعمالی همچون کنترل و هدایت، اجبار، کمک و مساعدت، و فریب سازمان از شخصیت حقوقی مستقل سازمان‌های بین‌المللی سوء استفاده نموده و سازمان را به عنوان سپری در برابر اعمال متخلفانه خود قرار داده‌اند. کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی در سال ۲۰۱۱ این اعمال را احصاء نموده است، تا از این طریق، دول عضو سازمان دیگر به هیچ وجه تحت لوای شخصیت حقوقی مستقل سازمان قرار نگیرند. هر چند به این طرح انتقادات بسیاری وارد است اما این طرح باعث شده است که افق جدیدی در مسئول دانستن اعضای سازمان‌های بین‌المللی در حقوق بین‌الملل مورد گشایش قرار گیرد.

واژگان کلیدی: سازمان بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی، اعضای سازمان‌های بین‌المللی، کمیسیون حقوق بین‌الملل، شخصیت حقوقی بین‌المللی.

۱. نویسنده‌ی مسئول - استاد گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

Email: Sfmoosavi12@gmail.com

۲. کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

مقدمه

یکی از اصول کلی حقوق بین‌الملل، مسئولیت و الزام به جبران خسارت به هنگام نقض مقررات حقوق بین‌الملل، می‌باشد. کمیسیون حقوق بین‌المل این موضوع را در پیش نویس طرح خود در خصوص مسئولیت دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌الملل (DARSIWA) مورد بررسی قرار داده است (Draft Articles on the Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts (DARSIWA), 2001). اما این طرح، موضوع مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی برای اعمال متخلفانه بین‌المللی را مورد بحث قرار نمی‌دهد (Ibid, p.141). مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۳ پیشنهاد کرد که کمیسیون کار خود را در خصوص مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی آغاز کند. کار کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، با توجه به توانایی بالقوه و زیاد چنین سازمان‌هایی جهت ارتکاب اعمال متخلفانه، در سال ۲۰۰۳ آغاز شد (زمانی، ۱۳۸۸، صص ۱۲۱-۱۲۲) و در سال ۲۰۱۱ (DARIO, 2011) به انتها رسید (Draft Articles on the Responsibility of International Organizations). سؤال این پژوهش این است که آیا یک دولت عضو سازمان بین‌المللی می‌تواند مسئول اعمال متخلفانه یک سازمان بین‌المللی باشد یا خیر، و اگر چنین باشد تحت چه شرایطی این مسئولیت را دارا است؟

با فرض این خطر که دولت‌ها، سازمان‌ها را به عنوان ابزاری جهت جلوگیری از مسئولیتی که در حقیقت با پیش قدمی آنها صورت گرفته است مبدل میکنند، جواب این سوال بسیار مهم و اساسی می‌باشد (Grant, 2009, p.1136).

ابتدا در گفتار اول مبنای مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی به طور خلاصه تشریح می‌شود. این گفتار در این مورد بحث می‌کند که گرچه از لحاظ نظری، اعمال متخلفانه بین‌المللی که منتسب به یک سازمان بین‌المللی می‌باشد در ابتدای امر مسئولیت سازمان را تداعی می‌کند، اما در حال حاضر ساز و کارهای اجرایی بسیار کمی صلاحیت این را دارند تا سازمان‌های بین‌المللی را مسئول تخلفات خود بدانند. زیرا برخلاف دیوان‌های بین‌المللی مختلفی که به دعاوی دولت‌ها رسیدگی می‌کنند، این دیوان‌ها صلاحیت رسیدگی به دعاوی سازمان‌های بین‌المللی را ندارند و از طرف دیگر به دلیل مصونیت قضائی مطلق که سازمان‌های بین‌المللی

در کشورهای مقرر آن سازمان‌ها برخوردار هستند، از رسیدگی دعوی که علیه آن‌ها اقامه می‌شود، خودداری می‌کنند.

از این‌رو قربانیان نقض‌های ارتكابی توسط سازمان‌های بین‌المللی نمی‌توانند علیه آن سازمان‌ها اقامه دعوی نموده و جبران خسارت مطالبه نمایند. به همین دلیل این قربانیان ناگزیر می‌شوند تا در دل سازمان‌های بین‌المللی رسوخ کرده و علیه دولت‌های عضو آن سازمان، اقامه دعوی نموده و تقاضای جبران خسارت نمایند. در این موقعیت، مسئولیت دولت‌های عضو به دوروش قابل پیش‌بینی است. روش اول که در گفتار دوم مورد بررسی قرار می‌گیرد این است که دولت‌های عضو سازمان، هیچ‌گونه عمل متخلفانه‌ای انجام ندادند بلکه تنها به صرف عضویت آن دولت‌ها در سازمان، مسئول اعمال متخلفانه آن سازمان خواهند بود. سرانجام در گفتار سوم روش دوم مورد بررسی قرار می‌گیرد که عبارت است از اینکه، صرف نظر از عضویت آن دولت‌ها در سازمان‌های بین‌المللی، آن دولت‌ها خود مرتکب اعمالی می‌شوند که باعث ایجاد مسئولیت بین‌المللی سازمان می‌شود. کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح مسئولیت سازمان‌ها، این اعمال را احصاء نموده است که در این گفتار به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گفتار اول - مبنای مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی

کمیسیون حقوق بین‌الملل، سازمان بین‌المللی را این‌گونه تعریف می‌نماید: «سازمانی که به وسیله یک معاهده یا هر سند دیگری، بر اساس حقوق بین‌الملل ایجاد شده و دارای شخصیت حقوقی مستقل باشد (DARIO, op.cit, p.6). شخصیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی، برای اولین بار توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۴۹، در قضیه جبران خسارات وارده به کارکنان سازمان ملل متحد مورد تأیید قرار گرفت (ICJ, 1949, p.174). در این قضیه دیوان بیان داشت که سازمان ملل متحد بالاترین نمونه سازمان بین‌المللی بوده و دارای شخصیت بین‌المللی می‌باشد. این سازمان، تابع حقوق بین‌الملل بوده و دارای حقوق و تکالیف بین‌المللی می‌باشد و نیز اهلیت این را دارد تا حقوق خود را با طرح دعوی بین‌المللی مورد مطالبه قرار دهد (موسی‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۳۸). بر اساس تفسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل، دیوان ظاهراً بر این نظر بوده

است که هرگاه یک سازمان، شخصیت حقوقی بین‌المللی داشته باشد، این شخصیت، عینی (Objective) می‌باشد. از این رو برای این که یک سازمان بین‌المللی برای یک عمل متخلفانه مسئول باشد، لازم نیست ثابت شود که آیا کشور قربانی، شخصیت حقوقی سازمان را به رسمیت شناخته است یا خیر (DARIO, op.cit, p.9). لذا سازمان‌های بین‌المللی به طور عینی و در هر حالتی این شخصیت حقوقی را دارا می‌باشند. این شخصیت حقوقی، مستقل از شخصیت حقوقی اعضای خود می‌باشد (Institute de Droit International, 1996, p.445). آثار حقوقی مترتب بر شخصیت حقوقی مستقل سازمان‌های بین‌المللی این است که، خود سازمان، صرف نظر از اعضای خود برای اعمال متخلفانه بین‌المللی خود مسئول می‌باشد (Wilde, 2005, p.401). یعنی اینکه وقتی یک سازمان بین‌المللی یک عمل متخلفانه بین‌المللی را مرتکب می‌شود، در وهله اول، آن اعمال متخلفانه به عنوان اعمال آن سازمان نگریسته می‌شوند و منتسب به آن سازمان می‌باشند. لذا تنها سازمان برای آن اعمال، صرف نظر از اعمال جمعی و گروهی کشورهای عضو، مسئول می‌باشد. این اصل که یک سازمان، شخصیت حقوقی بین‌المللی مستقل دارد و خود مسئول اعمال متخلفانه بین‌المللی خود می‌باشد، به طور عام امروزه پذیرفته شده است (Stumer, 2007, p.572). امروزه برخی شاخصه‌های مربوط به داشتن شخصیت حقوقی مستقل یک سازمان بین‌المللی عبارتند از اهلیت انعقاد معاهده، حق اقامه دعوی، حق فرستادن و پذیرش نمایندگی دیپلماتیک و غیره. اما در خصوص اینکه سازمان بین‌المللی تا چه حد و اندازه از شخصیت حقوقی مستقل برخوردار است و اینکه آیا این شخصیت حقوقی مستقل، به طور مطلق می‌باشد یا نسبی، نظرات مختلفی ابراز شده است و هنوز معیار ثابتی در حقوق بین‌الملل در این رابطه به وجود نیامده است (DARIO, op.cit, p.9).

کمیسون، این شاخصه‌ها را بر طبق نظر دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۴۹، به عنوان عملکرد بین‌المللی سازمان محسوب می‌کند و همانند دیوان بین‌المللی دادگستری بر این نظر می‌باشد که شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی را، می‌توان از طریق عملکرد آن‌ها در سطح بین‌المللی فهمید (زمانی، پیشین، ص ۳۴). دیوان بین‌المللی دادگستری مقرر نموده است که سازمان‌های بین‌المللی تابعان حقوق بین‌الملل می‌باشند و از این رو نسبت به هر تعهدی که برای آن‌ها واجب و مفروض است، ملزم می‌باشند و این الزام می‌تواند تحت اصول کلی

حقوق بین‌الملل، اساسنامه آن سازمان یا تحت موافقت نامه‌های بین‌المللی که آن‌ها عضو آن هستند، باشد (ICJ, 1980, pp.89-90) و از این رو اعمال متخلفانه بین‌المللی که منتسب به آن‌ها می‌باشد، تنها مسئولیت آن‌ها را به وجود می‌آورد و دول عضو معمولاً برای چنین اعمالی مسئول شناخته نمی‌شوند (Aspremont, 2007, p.9).

گفتار دوم- مسئولیت کشورهای عضو برای اعمال سازمان‌های بین‌المللی تنها به صرف عضویت

در این گفتار، فرضیه اول که بر طبق آن، مسئولیت دولت‌های عضو برای اعمال سازمان‌های بین‌المللی، صرفاً مبتنی بر عضویت آنها می‌باشد، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در خصوص این فرضیه، برخی دعاوی بین‌المللی از جمله، دعوی شورای بین‌المللی قلع و داوری میان سازمان صنعتی عرب و شرکت هلی کوپتر سازی وستلند در دهه ۱۹۸۰ میلادی، بسیار مفید و آموزنده می‌باشند. در دعوی شورای بین‌المللی ابتدا دادگاه‌های تالی به این نتیجه دست یافتند که دول عضو یک سازمان بین‌المللی، مسئولیت اعمال متخلفانه سازمان را بر عهده دارند. لذا دولت‌های عضو شورای بین‌المللی قلع مسئول بدهی‌های این شورا می‌باشند. اما متأسفانه دادگاه تجدید نظر و مجلس اعیان انگلیس نظر دادگاه تالی را رد کرده و مقرر داشتند که هیچ‌گونه قاعده عامی در حقوق بین‌الملل وجود ندارد که مسئولیت دولت‌های عضو یک سازمان بین‌المللی را برای اعمال متخلفانه آن سازمان مقرر کرده باشد. فلسفه وجودی سازمان‌های بین‌المللی در این واقعیت نهفته است که مستقل از دولت‌های عضو خود قلمداد شوند و دارای شخصیت حقوقی جداگانه و منفک از اعضا خود باشند. به تعبیر دیگر اعضای سازمان بین‌المللی در قبال اقدامات و اعمال اتخاذی سازمان، علی‌الأصول ثالث محسوب شده و به صرف عضویت در سازمان تکلیفی به جهت تعهدات آن نخواهند داشت. در داوری وستلند نیز ابتدا داوران رأی دادند که به این دلیل که اسناد مؤسس سازمان صنعتی عرب، مسئولیت دول عضو را مستثنی نکرده است، اعضای سازمان می‌توانند در مقابل اشخاص ثالثی که با این سازمان قرارداد بسته‌اند مسئول باشند. متأسفانه این حکم نیز توسط دادگاه دادگستری ژنو و دیوان عالی فدرال سوئیس ابطال شد. دلیل ابطال این حکم این بود که داوران به اشتباه، بر این

فرض بودند که نسبت به دولت مصر حتی بدون رضایت او صلاحیت دارند، در صورتی که این چنین نبود (ILR, 1988, p.80 and 109). در حقیقت، دلیل ابطال حکم داوران این بود که برای دیوان عالی فدرال سوئیس موضوع مسئولیت دولت‌های عضو یک سازمان بین‌المللی، هم چنان مورد شک و تردید بود (زمانی، پیشین، ص ۱۴۹).

اما بر خلاف این آراء، برخی از حقوقدانان استدلال می‌کنند که دولت‌ها به دلیل عضویت در سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند مسئول نقض‌های حقوق بین‌الملل ارتكابی توسط سازمان‌ها باشند (Stumer, op.cit, p.554). به عنوان مثال، دولت‌های عضو یک نهاد مالی بین‌المللی می‌توانند مسئول نقض‌های حقوق بشری ارتكابی توسط سازمان باشند. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در نظریه عمومی خود در سال ۲۰۰۲، مقرر داشت که دول عضو این میثاق بایستی تضمین نمایند که در اعمال خودشان به عنوان اعضای سازمان‌های بین‌المللی، توجه لازم و مقتضی نسبت به حقوق مندرج در این میثاق داشته باشند. لذا دول عضو سازمان‌های مالی بین‌المللی، همانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، بایستی گام‌های مهمی، جهت تضمین این حقوق بردارند (CESCR, 2002, para.36). این محققان به دلیل ملاحظات سیاسی و به خصوص حمایت از حقوق اشخاص ثالث زیان دیده، به این نظریه استناد کرده‌اند. زیرا یکی از چالش‌های عمده در حقوق بین‌الملل این است که شخص ثالث زیان دیده، در اثر عمل متخلفانه سازمان‌های بین‌المللی به راحتی قادر نمی‌باشد تا غرامت و خسارت از سازمان مطالبه کند. به عبارتی دیگر دیوان یا دادگاه‌های بین‌المللی از اعمال صلاحیت علیه سازمان‌های بین‌المللی، هنگامی که اشخاص زیان‌دیده علیه آن‌ها طرح دعوی می‌کنند، خودداری می‌کنند. محاکم بین‌المللی از این صلاحیت برخوردار نیستند و معمولاً محاکم داخلی نیز به دلیل برخورداری چنین سازمان‌هایی از مزایا و مصونیت در کشور مقرر دادگاه، از صلاحیت رسیدگی برخوردار نیستند (Wilde, op.cit, pp.408-9).

اما به نظر می‌رسد که این دلایل، استدلال‌های منطقی و معقول، که حمایت‌کننده مسئولیت دول عضو برای اعمال سازمان، تنها به صرف عضویت آنها باشد، نیست. دلیل اصلی آن این است که با ایجاد نظریه مسئولیت دول عضو، تنها به صرف عضویت ممکن است در اقدامات و فعالیت‌های سازمان‌های بین‌المللی تداخل ایجاد شود و استقلال و بی‌طرفی آنها مخدوش شود

(Stumer, op.cit, p.569). زیرا با وجود این نظریه، کشورهای عضو خود را همیشه در مواجهه با خطر مسئولیت بالقوه برای اعمال سازمان می‌بینند (Hirsch, 1995, p.167). و استقلال یک سازمان و نیز کارآیی فعالیت‌های آن سازمان کاهش پیدا می‌کند و هرگاه این استقلال به طور اساسی کاهش پیدا کند، شخصیت حقوقی مستقل سازمان‌های بین‌المللی به طور بالقوه ای از موجودیت خواهد افتاد (زمانی، پیشین، ص ۱۵۲). علاوه بر آن، مداخله در استقلال سازمان‌های بین‌المللی با تهدید مسئولیت دولت‌های عضو، از سوی اشخاص زیان‌دیده، می‌تواند کارآمدی و تاثیر سازمان‌های بین‌المللی، به عنوان ابزار همکاری بین‌المللی در عالم حقوق بین‌الملل را نیز کاهش می‌دهد (Stumer, op.cit, p.569).

برخی تحلیل‌گران حتی از این فراتر رفته‌اند و اظهار می‌دارند که کاهش کارآمدی و استقلال سازمان‌های بین‌المللی، به واسطه این نظریه، کشورها و به خصوص کشورهای ضعیف‌تر را از عضویت در سازمان‌های بین‌المللی به خصوص سازمان‌های مالی بین‌المللی باز می‌دارد (Klabbers, op.cit, p.314). لذا این نظریه با این اصل که سازمان‌های بین‌المللی شخصیت حقوقی مستقل دارند ناسازگار است و آن را به مخاطره می‌اندازد (زمانی، پیشین، ص ۱۵۲). در بیانات خانم هیگینز (Higgins) نیز آمده است که هرگاه اعضای سازمان، به دلیل اعمال متخلفانه سازمان، مسئول باشند، شخصیت مستقل آن به طور فزاینده‌ای ظاهری و نمادین خواهد شد (Higgins, 1995, p.419).

این نتیجه‌گیری به طور قابل توجه ای با قطعنامه انستیتوی حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۹۵ بر اساس گزارش خانم هیگینز (رئیس اسبق دیوان بین‌المللی دادگستری) مورد تأیید قرار گرفته است. در بند ۱ از ماده ۶ این قطعنامه، انستیتوی حقوق بین‌الملل مقرر می‌دارد که هیچ‌گونه قاعده عامی در حقوق بین‌الملل وجود ندارد که کشورهای عضو یک سازمان بین‌المللی را صرفاً به دلیل عضویت آن‌ها چه به طور تضامنی یا به طور ثانوی، مسئول قلمداد کند. به طور مشابه در تفسیر ماده ۶۱ طرح مسئولیت سازمان، کمیسیون بیان می‌دارد که واضح و مبرهن است که صرف عضویت دولت‌های عضو سازمان، هنگامی که سازمان یک عمل متخلفانه بین‌المللی را مرتکب می‌شود، معیار برای مسئولیت بین‌المللی آن‌ها نیست. این دیدگاه توسط کشورهای مختلفی مورد دفاع و حمایت قرار گرفته است به عنوان مثال دولت آلمان در

نظریه‌ای کتبی عنوان کرد که این کشور، اصل مسئولیت جداگانه و مستقل دولت از سازمان را نزد کمیسیون اروپایی حقوق بشر و نیز در دیوان اروپایی حقوق بشر و در دیوان بین‌المللی دادگستری و سایر محاکم مورد حمایت قرار می‌دهد و مسئولیت بین‌المللی، تنها به صرف عضویت در سازمان‌های بین‌المللی را رد می‌کند (DARIO, op.cit, p.96).

بر اساس عقیده اکثریت، مسئولیت دولت‌های عضو برای اعمال یک سازمان بین‌المللی تنها به صرف عضویت، تنها وقتی می‌تواند وجود داشته باشد که اسناد موسس سازمان به طور خاصی چنین مسئولیتی را مقرر کرده باشند (Wilde, op.cit, p.404). هرچند که اسناد موسس سازمان‌های بین‌المللی بسیار کمی در بردارنده قیودی برای مسئولیت دولت‌های عضو می‌باشند، اما دیدگاه اکثریت حقوقدانان بین‌المللی این است که این نظریه که پیرو آن، کشورهای عضو، تنها به صرف عضویت، مسئول اعمال سازمان‌های بین‌المللی باشند، در حال حاضر در حقوق بین‌الملل عمومی به طور کافی پابرجا و تثبیت نشده است. لذا به نظر می‌رسد حقوق بین‌الملل عمومی این نظریه و فرضیه را در حال حاضر مورد حمایت قرار نمی‌دهد (DARIO, op.cit, p.96). تنها به دلایل دیگری به غیر از این فرضیه، کشورهای عضو می‌توانند برای اعمال سازمان‌های بین‌المللی مسئول باشند که این دلایل در بخش پنجم طرح مسئولیت سازمان‌ها با عنوان «مسئولیت یک کشور در ارتباط با عمل یک سازمان بین‌المللی» در نظر گرفته شده است که در گفتار بعد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گفتار سوم - مسئولیت کشورهای عضو برای اعمال سازمان بین‌المللی به دلیل اعمال ارتكابی توسط آن کشورها

بر اساس این فرضیه، دولت‌های عضو یک سازمان بین‌المللی با انجام برخی اعمال، متحمل مسئولیت بین‌المللی ناشی از اعمال سازمان‌های بین‌المللی خواهند شد. بر اساس این اعمال ارتكابی از سوی دول عضو، شخصیت حقوقی مستقل یک سازمان بین‌المللی می‌تواند نادیده گرفته شود و به مسئولیت دول عضو آن سازمان استناد کرد. این اعمال در بخش پنجم طرح مسئولیت احصاء شده است. هدف از درج این اعمال در طرح مسئولیت، توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل این می‌باشد تا مانعی در برابر کشورها، از اینکه تحت لوای شخصیت حقوقی

مستقل سازمان قرار گیرند و سازمان را به عنوان پوشش و سپری، در برابر اعمال متخلفانه خود بدانند، قرار دهند (Aspremont, op.cit, pp.101-105). از این رو این مواد به اشخاص ثالث این اجازه را می‌دهد تا کشورهای عضو را برای اعمال سازمان‌های بین‌المللی مسئول قلمداد کنند. این اعمال ماده ۵۸ تا ۶۲ طرح مسئولیت سازمان‌ها را به خود اختصاص می‌دهند که عبارتند از: کمک و مساعدت به سازمان (ماده ۵۸)، هدایت و کنترل سازمان (ماده ۵۹)، اجبار سازمان (ماده ۶۰)، فرار از تعهدات بین‌المللی به روش فریب سازمان (ماده ۶۱)، پذیرش مسئولیت سازمان توسط دول عضو (بند ۱ ماده ۶۲) و اتکای شخص ثالث زیان دیده به مسئولیت دول عضو سازمان (بند ۲ ماده ۶۲). هر کدام از این اعمال به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

بند اول _ کمک یا مساعدت به سازمان (Aid or Assistance)

ماده ۵۸ طرح مسئولیت مقرر می‌کند که یک کشور به هنگامی که به یک سازمان بین‌المللی در ارتکاب یک عمل متخلفانه بین‌المللی کمک یا مساعدت نماید، مسئول می‌باشد، مشروط بر اینکه آن کشور با آگاهی از اوضاع و احوال این کار را انجام دهد و دیگر اینکه اگر آن عمل توسط خود آن کشور نیز ارتکاب می‌یافت، از لحاظ بین‌المللی متخلفانه می‌بود (DARIO, op.cit, Art.58). کشور کمک کننده یا مساعدت کننده به یک سازمان بین‌المللی ممکن است عضو آن سازمان باشد یا نباشد (Grant, op.cit, p.1146). متأسفانه معیاری برای کمک یا مساعدت و میزان تأثیر و نفوذ یک کشور، در طرح وجود ندارد، اما بر طبق تفسیر، میزان تأثیر و نفوذ مورد نیاز جهت ایجاد «کمک و مساعدت» بایستی به عنوان مثال، بیشتر از مشارکت یک کشور عضو در فرآیند تصمیم‌گیری در داخل سازمان باشد. (DARIO, op.cit, p.91) زیرا کمیسیون مقرر می‌کند که چنین تصمیم‌گیری اگر مطابق با مقررات داخلی سازمان باشد به درجه کمک و مساعدت نخواهد رسید (Ibid).

برای مثال یک کشور عضو یک سازمان مالی بین‌المللی، که همچنین یکی از اعضای میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد به نفع یک پروژه یا طرح در یک کشور ثالث، در آن سازمان رأی دهد که در نتیجه اجرای آن طرح و پروژه، حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی ساکنین آن کشور، مورد نقض قرار خواهد گرفت و باعث خواهد شد، ساکنان آن

کشور، سرزمین، پناهگاه و کار خود را از دست بدهند و با ناامنی غذا روبرو شوند که همه این‌ها در نقض میثاق می‌باشد (Cernea, 2000). متأسفانه چون بر طبق تفسیر کمیسیون، این رأی مطابق با مقررات سازمان بوده، به درجه کمک و مساعدت نمی‌رسد و لذا آن دولت متحمل مسئولیت نخواهد شد (DARIO, op.cit, p.90).

اما علی‌رغم این تفسیر بسیار مضیق از سوی کمیسیون، از نظر برخی از حقوقدانان، تحمیل مسئولیت به یک کشور عضو، هنگامی که آن کشور به یک سازمان در نقض مقررات حقوق بین‌الملل کمک و مساعدت می‌نماید، از لحاظ حقوقی، غیر قابل بحث و جدل می‌باشد (Aspremont, op.cit, p.98). از نظر این حقوقدانان، کمیسیون حقوق بین‌الملل تفسیر مضیق و محدودی به طور ناروا از عبارت «کمک یا مساعدت» می‌نماید. این محققان استدلال کرده‌اند که مسئولیت یک کشور عضو، بر مبنای «کمک و مساعدت»، می‌تواند حتی دربرگیرنده شرایط و اوضاع و احوالی باشد که در آن، یک کشور عضو به نفع و در حمایت از تصمیم یک سازمان، که آن تصمیم منجر به ارتکاب یک عمل متخلفانه می‌شود، رأی دهد. به عنوان مثال کلین (Klein) ادعا کرده است که در چنین شرایطی یک کشور عضو به عنوان شریک یا معاون آن عمل متخلفانه محسوب می‌شود، هرچند که عمل رای دادن فی نفسه عمل متخلفانه نباشد (Klein, 1998, pp.469-470). بر این اساس، به عنوان مثال، هنگامی که یک کشور عضو یک سازمان مالی بین‌المللی از قبیل بانک جهانی، که در حمایت از بودجه مالی پروژه و یا طرح‌های صنعتی که در یک کشور ثالث به اجرا در خواهد آمد، رأی بدهد، برای نقض‌های حقوق بشری که در نتیجه این طرح صورت خواهد گرفت، به عنوان معاون جرم، متحمل مسئولیت خواهد بود (Ibid). در یک مثال دیگر، کشوری که دارای سلاح‌های هسته‌ای است و عضو معاهده عدم اشاعه و گسترش سلاح‌های هسته‌ای (Non Proliferation Treaty (NPT)). و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌باشد، بایستی از کمک کردن به کشوری که دارای سلاح‌های هسته‌ای نیست، در کسب سلاح‌های هسته‌ای خودداری کند. زیرا در غیر این صورت، به جای آژانس آن دولت‌ها متحمل مسئولیت بین‌المللی خواهند بود (DARIO, op.cit, p.91).

در هر صورت در ماده ۵۸، متأسفانه معیارهایی که در آن بتوان به مسئولیت دولت استناد کرد روشن و شفاف نیست. البته فقدان رویه ای معتبر در خصوص ماده ۵۸ مزید بر علت نیز می‌باشد. علاوه بر این، متأسفانه ماده ۵۸ طرح مسئولیت سازمان‌ها، مسئولیت دولت بر مبنای کمک یا مساعدت را منوط به احراز دو شرط به طور جمعی می‌داند، که همین امر باعث شده است تا آستانه تحقق این ماده نسبت به عمل یک دولت بسیار بالا باشد و هر عملی از سوی دولت را نتوان به عنوان کمک و مساعدت محسوب کرد. شرط اول این است که آن دولت بایستی با آگاهی به آن سازمان در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی کمک و مساعدت نماید. و شرط دوم این است که عمل مزبور اگر توسط آن دولت کمک کننده یا مساعدت کننده ارتکاب می‌یافت، عمل متخلفانه بین‌المللی محسوب می‌شد (DARIO, op.cit,art.58(1)(a)(b)). لذا از این زاویه حمایت مالی یک کشور از اقدامات یک سازمان بین‌المللی که منجر به نقض‌های حقوق بشری می‌شود و نیز از شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر آن عمل آگاهی داشته باشد ممکن است ایجاد کننده کمک یا مساعدت باشد (Klein, op.cit,pp.469-470).

بند دوم - هدایت و کنترل سازمان (Direction and Control)

بر اساس ماده ۵۹ طرح، مسئولیت عمل متخلفانه بین‌المللی یک سازمان بین‌المللی به هنگامی که که یک دولت، آن سازمان را در ارتکاب آن عمل متخلفانه، هدایت یا کنترل کرده باشد، به آن دولت منتسب می‌شود (DARIO, op.cit, Art.59). طبق نظریه کنترل، کشوری که یک سازمان بین‌المللی را در ارتکاب یک عمل متخلفانه بین‌المللی مورد هدایت یا کنترل قرار می‌دهد، مسئول اعمال متخلفانه سازمان می‌باشد هر چند که ممکن است آن کشور، عضو سازمان باشد یا نباشد.

قبل از تصویب طرح مسئولیت، موضوع اعمال کنترل یک دولت بر سازمان، در داوری شرکت هلی کوپترسازی وستلند نیز مطرح شد. اما این موضوع از سوی دیوان عالی فدرال سوئیس مورد قبول قرار نگرفت. دیوان رأی داد که نقش برجسته‌ای که توسط کشورهای موسس ایفا شده است و این حقیقت که سازمان صنعتی عرب تنها یک کمیته عالی متشکل از وزرای کشورهای عضو بوده است، نمی‌تواند استقلال و شخصیت سازمان را تضعیف نماید و

از بین ببرد. دیوان بر این نظر بود که وجود کمیته عالی متشکل از وزرای کشورهای عضو به معنای کنترل آن‌ها بر این سازمان نمی‌باشد (DARIO, op.cit,p.92). به طور مشابه‌ای در دعوای شورای بین‌المللی قلع نیز قاضی میلت (Millet)، در ارتباط با کنترل دول عضو بر شورای بین‌المللی قلع به این نتیجه رسید که، هیچ‌گونه کنترلی بر شورا، تنها به دلیل عضویت صرف این دول نمی‌توان استنتاج کرد (ILR, 1987.p.46).

البته بر اساس شخصیت مستقل سازمان‌های بین‌المللی، تنها در شرایط استثنایی و به طور موردی، کشورهای عضو این اقتدار و توانایی را دارند تا هدایت و کنترلی لازم و موثر بر یک سازمان داشته باشند (Hirsch, op.cit, p.171). زیرا بسیار محتمل می‌باشد که کشورها با ابزارهایی که در اختیار دارند - حقوقی یا سایر ابزارها - به آسانی قادر باشند تا نفوذ و تاثیری قاطع و اساسی بر رفتار یک سازمان داشته باشند. زیرا استقلال جداگانه سازمان‌های بین‌المللی یک شرط لازم و اساسی برای شخصیت حقوقی مستقل آنها می‌باشد (Stumer, op.cit,p.561). اما با این حال، ماده ۵۹ این احتمال را فراهم می‌سازد که هرگاه اگر یک کشور بر سازمان در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی، هدایت یا کنترل داشته باشد، آن کشور، مسئول آن عمل متخلفانه بین‌المللی سازمان خواهد بود. چنین هدایت و کنترلی بایستی به طور قاطعانه باشد و نمی‌توان تنها مشارکت آن کشور در اقدامات و فعالیت‌های آن سازمان را به معنای هدایت و کنترل بر آن سازمان دانست (DARIO, op.cit,p.92). کمیسیون حقوق بین‌الملل در این رابطه بیان می‌دارد که بایستی میان حضور و مشارکت صرف یک کشور عضو در فرآیند تصمیم‌گیری آن سازمان به موجب مقررات آن سازمان و هدایت و کنترل مورد نظر در ماده ۵۹ تفاوت قائل شد. واژه هدایت و کنترل بیان‌کننده تسلط و غلبه موثر یک کشور بر اعمال متخلفانه یک سازمان می‌باشد نه نظارت و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های آن سازمان. (DARSIWA, op.cit, p.69) متأسفانه کمیسیون حقوق بین‌الملل در این ماده نیز، آستانه بسیار بالایی از معنای کنترل و هدایت را مورد نظر قرار داده است، در صورتی که این تفسیر کمیسیون قابل انتقاد می‌باشد، زیرا با توجه به رویه فعلی کشورهای عضو دایم شورای امنیت و حق وتوی آن‌ها و به خصوص اقدامات آمریکا در این شورا و هدایت سایر اعضای شورا در تصویب قطعنامه‌های ظالمانه علیه کشورهای ضعیف و در حال توسعه همگی نشان دهنده

کنترل و هدایت این کشور بر شورای امنیت می‌باشد. لذا آستانه بسیار بالا برای کنترل و هدایت از سوی کمیسیون در برخی موارد به هیچ وجه با عدالت بین‌المللی سازگار نیست. برخلاف نظر کمیسیون، برخی از حقوقدانان بر این عقیده هستند که حتی وقتی یک کشور بر فرآیند تصمیم‌گیری یک سازمان، کنترل اعمال می‌کند، بایستی برای هر عمل متخلفانه‌ای که از این تصمیم ناشی می‌شود، مسئول باشد. اسپرومونت (Aspermont) عقیده دارد که کمیسیون در طرح مسئولیت خود مسئولیت یک کشور عضو، هنگامی که آن کشور در تصمیم‌گیری سازمان اعمال کنترل می‌کند را مستثنی کرده و بر این عمل کمیسیون انتقاد وارد است (Aspermont, op.cit, p.101). او اینچنین استدلال کرده است که هرگاه اگر یک کشور عضو در فرآیند تصمیم‌گیری سازمان مشارکت نماید، این به معنای کنترل از سوی آن کشور می‌باشد، لذا آن کشور عضو بایستی مسئول عمل متخلفانه‌ای که به طور محتمل از تصمیم سازمان به وجود می‌آید، باشد (Ibid, p.98). به عنوان نمونه، مسئولیت کشورهای عضو و قدرتمند مشخص و معینی نظیر آمریکا در یک سازمان نظامی-دفاعی، مثل سازمان ناتو، وقتی که این سازمان اعمال متخلفانه‌ای مرتکب شود، می‌تواند مورد محاسبه قرار گیرد. پس از انفجار تصادفی سفارت چین در بلغراد توسط ناتو در خلال مداخله بشردوستانه این سازمان در کوزوو، آمریکا و خودسازمان ناتو با چین یک موافقت‌نامه‌ای منعقد نمودند تا خسارت وارده را جبران نمایند. از این اقدام آمریکا چنین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که این کشور کنترل محسوسی بر فعالیت‌های ناتو اعمال می‌نماید (Gazzini, 2001, p.415). در نتیجه احتمال اینکه یک سازمان اعمال خود را تحت هدایت و کنترل یک دولت انجام دهد بسیار کم می‌باشد ولی به طور مطلق نیست و امکان دارد چنین امری اتفاق بیفتد (زمانی، پیشین، صص ۱۷۵-۱۷۳).

بند سوم- اجبار سازمان (Coercion)

بر اساس ماده ۶۰ طرح مسئولیت سازمان، وقتی که یک کشور، یک سازمان بین‌المللی را به ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی مجبور می‌سازد، مسئولیت متوجه آن دولت می‌باشد (DARIO, op.cit, Art.60). ارتباط میان یک کشور عضو و یک سازمان بین‌المللی به طور معمولی، به معنای اجبار از سوی آن کشور عضو نمی‌باشد زیرا این امر با شخصیت حقوقی

مستقل بین‌المللی سازمان تعارض خواهد داشت (Sarooshi, 2003, pp.326-328). به عنوان نمونه، فشار اقتصادی از سوی یک دولت عضو، ممکن است ایجاد کننده اجبار باشد (DARISWA, op.cit, p.70). هرگاه چنین فشار اقتصادی، چنان قدرتمند و مؤثر باشد که برای سازمان هیچ گونه تصمیم و انتخاب دیگری باقی نگذارد جز اینکه به خواسته‌ها و تمایلات کشور اجبار کننده تن در دهد و از آن تبعیت کند، در این صورت آن کشور اجبار کننده متحمل مسئولیت بین‌المللی خواهد شد. چنین فشار اقتصادی می‌تواند این گونه ناشی شود که برای مثال یک کشور عضو تهدید می‌کند که از تعهدات مالی خود در قبال آن سازمان و پرداخت سهمیه خود خودداری می‌کند، مگر اینکه سازمان از تصمیمات و خواسته‌های آن دولت تبعیت کرده و یک عمل متخلفانه بین‌المللی را مرتکب شود (Aspermont, op.cit, p.112).

نمونه بارز اجبار، تهدید آمریکابه عدم پرداخت سهمیه خود در سازمان‌های بین‌المللی می‌باشد. این کشور، کمک کننده اصلی بودجه سازمان ملل و سایر سازمان‌های بین‌المللی است. به هنگام عضویت فلسطین در سازمان یونسکو در سال ۲۰۱۱، آمریکا یونسکو را تهدید کرد که چنانچه به عضویت فلسطین رأی مثبت بدهد، سهمیه مالی خود به سازمان را پرداخت نخواهد کرد. پس از رأی مثبت یونسکو به عضویت فلسطین، ویکتوریا نولاند، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا عنوان کرد که هیچ راه دیگری به جز توقف حمایت‌های مالی اش از این سازمان ندارد و این کشور مبلغ ۶۰ میلیون دلاری که قرار بود ماه نوامبر به یونسکو داده شود، دیگر پرداخت نخواهد کرد (www.khabaronline.ir, 1390/8/14). چنین تهدیدی اگر موثر واقع می‌شد، و یونسکو رأی مثبت به عضویت فلسطین نمی‌داد، مسئولیت آمریکا تنها بالغ بر عدم پرداخت سهمیه مالی خود به سازمان یونسکو نمی‌شد بلکه مسئولیت بین‌المللی این کشور را در قبال فلسطین و اتباع آن کشور را نیز به وجود می‌آورد. زیرا این کشور یونسکو را به طور غیر قانونی مجبور ساخته بود تا به عضویت فلسطین رأی مثبت ندهد و این سازمان را مجبور به ارتکاب یک عمل متخلفانه (عدم دادن رأی مثبت) نماید که این چنین نشد.

نمونه دیگر، می‌تواند تهدید سازمان ملل توسط آمریکا که کمک کننده اصلی بودجه این سازمان است، باشد. این کشور ممکن است تهدید کند که اگر شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای که تحریم‌های اقتصادی گسترده‌ای را علیه یک کشور ضعیف تحمیل می‌کند

به تصویب نرساند، که در نتیجه آن قطعنامه، حقوق بشر اتباع آن کشور و به ویژه حقوق اقتصادی و اجتماعی آن (حق بر غذا- حق بر بهداشت و...) نقض می‌شوند، از تعهدات مالی خود و پرداخت سهمیه خود به سازمان خودداری می‌کند. چنین تهدیدی اگر اجرا شود، تنها بالغ بر نقض تعهد آمریکا در دادن سهمیه مالی خود برای بودجه سازمان ملل نمی‌شود بلکه می‌تواند مسئولیت بین‌المللی آمریکا در قبال اتباع کشور مورد تحریم قرار گرفته را نیز به وجود آورد (UN SPPHR, Doc. 3/CN.4/Sub.2/2000/33). اما متأسفانه بر طبق نظر کمیسیون، آستانه تحقق مسئولیت بر طبق ماده ۶۰ بسیار بالا می‌باشد و مسئولیت یک دولت برای اجبار یک سازمان بین‌المللی، منوط به تحقق دو شرط به طور جمعی می‌باشد. یکی اینکه مطابق بند یک ماده ۶۰، عمل متخلفانه ارتكابی بایستی، مستقل از اجبار دولت، عمل متخلفانه ارتكابی سازمان مورد اجبار تلقی گردد (DARIO, op.cit, art.60) (a) و دوم اینکه مطابق بند دوم، کشور اجبارکننده بایستی نسبت به شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر آن عمل متخلفانه آگاهی داشته باشد (Ibid, art.60) (b). در غیر این صورت و به هنگامی که کشور اجبارکننده آگاهی نداشته باشد و یا اینکه صرف نظر از اجبار دولت، عمل سازمان یک عمل متخلفانه بین‌المللی نباشد، آن دولت متحمل مسئولیت بین‌المللی نخواهد شد.

بند چهارم - خودداری از تعهدات بین‌المللی به روش فریب سازمان (circumvention)

ماده ۶۱ طرح مسئولیت سازمان‌ها مقرر می‌کند که یک کشور عضو یک سازمان بین‌المللی در صورتی که با بهره برداری و سوء استفاده از این حقیقت که سازمان نیز در ارتباط با یکی از تعهدات بین‌المللی خود صلاحیت دارد، سازمان را به انجام آن تعهد وادارد و ترغیب نماید، در صورتی که اگر آن تعهد توسط خود آن کشور مورد ارتكاب قرار می‌گرفت، یک نقض تعهد محسوب می‌شد و به نوعی یا فریب سازمان از انجام تعهدات خود خودداری کند، در این صورت آن دولت متحمل مسئولیت بین‌المللی خواهد شد (Ibid, art.61). به عبارتی دیگر همان طور که تفسیر این ماده بیان می‌کند، ماده ۶۱ دربرگیرنده حقه و فریب توسط یک کشور و اجتناب از تعهدات بین‌المللی خود می‌باشد، هنگامی که این کشور از شخصیت حقوقی مستقل یک سازمان بین‌المللی، سوءاستفاده کند (Ibid, p.93). البته در بیان معنای واژه

(circumvention) دیدگاه‌های متفاوتی بیان شده است. برای مثال عده‌ای معتقدند که این واژه در برگیرنده یک قصد ویژه است، بدین معنا که عمل دولت در خودداری از تعهداتش بایستی به نحو عمد صورت پذیرفته باشد. در مقابل، عده‌ای دیگر ضمن نفی این دیدگاه، بیان می‌دارند که برای دولت در وضعیت‌های گوناگونی به غیر از عمد نیز می‌تواند این مسئولیت ایجاد شود که البته بسیار بعید و غیر محتمل به نظر می‌رسد (Paasivirta, 2010, pp.52-53). اما بر طبق تفسیر ماده ۶۱، وجود یک قصد خاص مبنی بر فرار از تعهدات یک کشور به وسیله حيله و فریب سازمان، لازم می‌باشد. لذا تفسیر اعمال متخلفانه سازمان‌های بین‌المللی را که در نتیجه ناآگاهانه بودن، اغوا و تحریک یک سازمان بین‌المللی صالح جهت ارتکاب یک عمل، از سوی یک دولت و به طور غیر عمد صورت می‌گیرد را از ماده ۶۱ مستثنی می‌کند (Ibid). از این رو کشورهای عضو به به هنگامی که سازمان یک نقض حقوق بین‌الملل را از این طریق مرتکب می‌شود، متحمل مسئولیت نخواهند شد.

به عنوان مثال چند دولت با برپایی یک سازمان بین‌المللی، تنها به قصد اینکه از مسئولیت برای اعمال خاص و مشخصی تحت حقوق بین‌الملل و آن هم به طور عامدانه فرار کنند، با تشکیل این سازمان، به نوعی صلاحیت انجام آن اعمال را به سازمان تفویض می‌کنند تا مسئولیت انجام آن اعمال متوجه سازمان شود نه خود آن دولت‌ها. لذا این دولت‌ها با انجام این عمل، مرتکب فریب سازمان شده و از شخصیت حقوقی مستقل سازمان سوء استفاده کرده‌اند، لذا متحمل مسئولیت خواهند شد (Ibid, p.52). در صورتی که کشورهای عضو، این تعهد را دارا می‌باشند که از صلاحیت و شخصیت حقوقی یک سازمان بین‌المللی به قصد اجتناب و فرار از تعهدات بین‌المللی خود که از طریق اغوا و فریب آن سازمان بین‌المللی، جهت انجام آن تعهد بین‌المللی و در نهایت ارتکاب یک عمل متخلفانه بین‌المللی می‌باشد، سوء استفاده نکنند (Stumer, op.cit, p.563). موضوع مسئولیت یک کشور عضو به دلیل خودداری از ایفای تعهدات بین‌المللی خود از طریق واگذاری صلاحیت به یک سازمان بین‌المللی و فریب آن سازمان، توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر در قضایایی از قبیل *Bosphorus v. Ireland* مورد بررسی قرار گرفته است (ECHR, 2005, pp.157-158). همان طور که می‌دانید دولت‌های عضو اتحادیه اروپا نسبت به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ملزم می‌باشند. دیوان در این قضیه

براین نظر بود که یک کشور عضو یک سازمان بین‌المللی (اتحادیه اروپا) نمی‌تواند خود را از تعهدات بین‌المللی که تحت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر عهده دارد، با انتقال آن تعهدات به آن سازمان (یعنی اتحادیه اروپا)، رها سازد. زیرا برائت کشورهای متعهد به طور کامل از تعهدی که بر طبق کنوانسیون دارند، با مقصود و هدف کنوانسیون سازگار نیست و باعث محدودیت ضمانت‌های اجرایی کنوانسیون می‌شود. کشورهای عضو اتحادیه اروپا در ارتباط با تعهداتی که به موجب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دارا هستند، حتی با انتقال تعهدات خود به یک سازمان بین‌المللی (یعنی اتحادیه اروپا)، هم چنان بر طبق این کنوانسیون دارای مسئولیت و تعهد می‌باشند و نمی‌توانند از این تعهدات فرار کنند (Ibid p.158). در یک قضیه جدید دیگر در دیوان اروپایی حقوق بشر در رأی *Gasparini Vs Italy and Belgium* دادخواستی علیه ایتالیا و بلژیک، توسط دو تن از کارمندان سازمان ناتو طرح شد. این افراد مدعی بودند که روش دادرسی و حل و فصل اختلافات ناتو، بسیار ناکافی است، لذا حقوق دادرسی این افراد مورد نقض قرار گرفته است. هر چند دیوان خواسته این افراد را رد کرد اما بر این نظر بود که کشورها هنگامی که بخشی از قدرت حاکمه خود را به یک سازمان که عضو آن هستند، می‌دهند، نمی‌توانند خود را از تعهدات بین‌المللی خود تحت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، با انتقال آن تعهدات به یک سازمان بین‌المللی (یعنی ناتو) رها سازند. زیرا برائت کشورهای متعهد به طور کامل از وظیفه‌ای که تحت کنوانسیون دارند، با مقصود و هدف کنوانسیون سازگار نیست. کشورهای عضو سازمان ناتو در ارتباط با تعهدات معاهده‌ای که به موجب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دارا هستند، حتی با انتقال آن تعهدات به یک سازمان بین‌المللی، همچنان بر طبق این کنوانسیون دارای مسئولیت و تعهد می‌باشند (DARIO, op.cit, p.95).

در نتیجه، بر طبق ماده ۶۱، سه شرط نیاز است تا مسئولیت بین‌المللی یک کشور که از تعهدات بین‌المللی خود، با فریب سازمان فرار می‌کند، به وجود آید. اولین آن این است که سازمان بین‌المللی نیز در ارتباط با تعهدات بین‌المللی آن دولت، صلاحیت داشته باشد. شرط دوم این است که یک ارتباط سببی میان حقه و فریب کشور عضو و عمل متخلفانه آن سازمان بین‌المللی وجود داشته باشد. یعنی آن کشور، مسبب عمل متخلفانه آن سازمان بین‌المللی شده

باشد. شرط سوم این است که سازمان بین‌المللی عملی را مرتکب شود که اگر توسط آن کشور نیز ارتکاب می‌یافت، نقض یک تعهد بین‌المللی محسوب می‌شد. در غیر این صورت آن دولت متحمل مسئولیت بین‌المللی نخواهد بود (Ibid, p.95).

بند پنجم - پذیرش مسئولیت (Acceptance)

قسمت ۱ بند ۱ ماده ۶۲ از طرح مسئولیت مقرر می‌داد که هنگامی که یک کشور عضو سازمان بین‌المللی، مسئولیت عمل متخلفانه بین‌المللی آن سازمان را بپذیرد، آن کشور برای مسئول آن عمل متخلفانه خواهد بود (Ibid, art.62(1)(a)). این نوع از مسئولیت، تحت قاعده عام حقوق بین‌الملل عرفی قرار می‌گیرد که قبلاً نیز در مواد مربوط به طرح مسئولیت دولت‌ها مقرر شده بود. در طرح مسئولیت دولت‌ها مقرر شده بود که هرگاه اگر یک کشور مسئولیت یک عمل متخلفانه بین‌المللی را بپذیرد، در این صورت آن عمل به آن دولت منتسب می‌شود (DARISWA, op.cit, art.1).

بر اساس تفسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل، پذیرش مسئولیت بین‌المللی توسط یک کشور عضو برای یک عمل متخلفانه ارتكابی توسط یک سازمان، معیاری با حداقل مباحثه و جدل از لحاظ حقوقی برای مسئول دانستن یک کشور برای یک عمل ارتكابی توسط یک سازمان بین‌المللی می‌باشد (DARIO, op.cit, p.97). این نوع از مسئولیت ناشی از پذیرش یک کشور به طور صریح یا به طور ضمنی می‌باشد که در نتیجه عمل یک سازمان، این مسئولیت را دارا است. لذا پذیرش مسئولیت توسط یک کشور عضو، می‌تواند به روش‌های مختلفی بیان شود و نیاز نیست که به طور حتم، این مسئولیت به طور صریح، از اسناد مؤسس آن سازمان نشأت گرفته شود (Ibid). به عنوان نمونه، تحت ماده ۶۲ طرح مسئولیت، یک شخص ثالث ممکن است بر اساس یکی از مواد مندرج در سند مؤسس سازمان که براساس آن ماده، یک کشور عضو، مسئول بدهی‌های یک سازمان می‌باشد، به پذیرش، به عنوان مبنای مسئولیت آن دولت استناد کند. به عنوان نمونه قاضی گیسون (Gibson) در رأی خود در دادگاه تجدید نظر شورای بین‌الملل قلع به پذیرش مسئولیت در «سند مؤسس» اشاره کرد و مقرر داشت که پذیرش مسئولیت می‌تواند از سند مؤسس سازمان بین‌المللی یا سایر مقررات سازمان ناشی شود

(Ibid). البته بر طبق تفسیر کمیسیون، هنگامی که پذیرش مسئولیت از یک سند مؤسس ناشی می‌شود، چنین سندی تنها مسئولیت کشورهای عضو مشخص و معینی را که پذیرش مسئولیت کرده‌اند، مطرح می‌کند نه سایر دولت‌های عضو.

بند ششم - اتکای شخص ثالث زیان دیده به مسئولیت دول عضو سازمان (Reliance)

بر اساس قسمت ۲ بند ۱ ماده ۶۲ طرح مسئولیت، یک کشور عضو برای یک عمل متخلفانه بین‌المللی که توسط سازمان ارتکاب یافته، در صورتی مسئول است که آن کشور با اعمال و رفتار خود، شخص قربانی را به این سمت هدایت کرده باشد تا آن شخص تنها بر مسئولیت آن کشور عضو نه سازمان متکی باشد. این نوع از مسئولیت که به نظر می‌رسد از قاعده استاپلنشات گرفته است (Hirsch, op.cit, p.106). هنگامی اجرا می‌شود که رفتار و اعمال کشورهای عضو یک سازمان بین‌المللی، این دلیل را برای شخص قربانی و زیان دیده به وجود آورده باشد و او را به این اعتقاد و باور برساند که او تنها بر مسئولیت اعضای آن سازمان متکی می‌باشد نه خود آن سازمان (DARIO, op.cit, p.98). گرچه کمیسیون در تفسیر طرح، تصریح نموده است که بسیار محتمل است که یک شخص ثالث بر مسئولیت کشورهای عضو متکی باشد (Ibid).

تصمیم‌گیری در خصوص این موضوع که آیا به طور واقعی، شخص ثالث بر مسئولیت کشورهای عضو متکی می‌باشد یا خیر، بستگی به اوضاع و احوال و شرایط خاصی دارد. برای مثال هرگاه رفتار یک کشور عضو، شخص ثالث و قربانی را به این سمت هدایت کند و باعث شود تا او بر این باور باشد که چون سازمان بودجه لازم و ضروری برای جبران خسارت را در اختیار ندارد، در این صورت آن کشور به جای سازمان این جبران خسارت را می‌پردازد، در این صورت ممکن است آن دولت متحمل مسئولیت و پرداخت خسارت شود (Amerasingh, 1991, p.280). البته بسیاری از نهادهای مالی بین‌المللی شروط عدم مسئولیت کشورهای عضو را در اسناد مؤسس خود قید می‌کنند که اشخاص ثالث را به نوعی مطلع کنند که کشورهای عضو تمایلی به مسئول بودن در برابر اعمال آن نهاد را ندارند و بهتر است اشخاص ثالث به مسئولیت دول این سازمان متکی نباشند. ماده ۶۲ همانند سایر مواد بخش

۵ طرح مسئولیت، بایستی به طور مضیق و محدود تفسیر شود زیرا احتمال به وجود آمدن چنین وضعیتی بسیار نادر و غیر محتمل می‌باشد. براساس بند دوم این ماده، حتی در صورت به وجود آمدن چنین مسئولیتی، این مسئولیت تنها مسئولیت ثانوی (Subsidiary responsibility) که ماهیتی تکمیلی دارد، می‌باشد (DARIO, op.cit, p.99). یعنی مسئولیت کشور عضو بر اساس ماده ۶۲ به مسئولیت سازمان بین‌المللی اضافه و ترکیب می‌شود نه اینکه آن را جایجا کند و شخص ثالث قربانی ابتدا بایستی به سازمان مراجعه نموده و در صورت عدم جبران خسارت از سوی سازمان و در صورتی که رفتار و اعمال آن کشور عضو، این باور را برای شخص قربانی و زیان دیده به وجود آورده باشد تا تنها بر مسئولیت آن عضو متکی باشد نه سازمان، می‌تواند برای جبران خسارت خود به آن دولت عضو رجوع نماید (زمانی، پیشین، ص ۱۷۸).

نتیجه‌گیری

در گذشته کشورهای عضو یک سازمان بین‌المللی، معمولاً برای اعمال آن سازمان، متحمل مسئولیت نمی‌شدند و این نظریه قدیمی وجود داشت که تنها سازمان بین‌المللی است که دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و تنها اوست که مسئول اعمال متخلفانه بین‌المللی خود می‌باشد. ما این نظریه امروز با تدوین طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۱۱ از جایگاه بسیار ضعیفی برخوردار می‌باشد. شفافیت حقوقی نسبت به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، یک امر بسیار لازم و ضروری می‌باشد، زیرا تأسیس بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی جدید امروزه، فرصت بسیاری را برای دولت‌ها به وجود می‌آورد تا خود را تحت لوای شخصیت حقوقی مستقل سازمان قرار دهند. تحمیل مسئولیت به کشورهای عضو برای اعمال متخلفانه بین‌المللی به دو صورت امکان پذیر است. صورت اول اینکه کشورهای عضو یک سازمان؛ تنها به صرف عضویت آن کشورها در آن سازمان، متحمل مسئولیت می‌باشند، که این نظریه نیز در حال حاضر در حقوق بین‌الملل مورد پذیرش قرار نگرفته است، زیرا این امر استقلال و شخصیت حقوقی مستقل سازمان را به مخاطره می‌اندازد. علاوه بر این، توجیه این امر بسیار سخت و مشکل می‌باشد که چرا یک کشور عضو بایستی که حتی در فعالیت‌ها و اقدامات سازمان درگیر نبوده است، مسئول اقدامات آن سازمان باشد.

صورت دوم اعمالی است که دولت‌های عضو یک سازمان مرتکب شده، و به دلیل ارتکاب آن اعمال، مسئول اعمال متخلفانه سازمان خواهند بود. این اعمال در بخش ۵ طرح مسئولیت سازمان‌ها مقرر شده است که عبارتند از: کمک و مساعدت به سازمان (ماده ۵۸)، هدایت و کنترل سازمان (ماده ۵۹)، اجبار سازمان (ماده ۶۰)، فرار از تعهدات بین‌المللی به روش فریب سازمان (ماده ۶۱)، پذیرش مسئولیت سازمان توسط دول عضو (بند ۱ ماده ۶۲) و اتکای شخص ثالث زیان دیده به مسئولیت دول عضو سازمان (بند ۲ ماده ۶۲). متأسفانه کمیسیون حقوق بین‌الملل به طور مضیق این مواد را مورد تفسیر قرارداد و آستانه تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را بالا دانسته است که تا حدودی این تفسیر با عدالت بین‌المللی و به خصوص منافع کشورهای ضعیف در جامعه بین‌المللی که مدام تحت سلطه و سیطره قدرت‌های بزرگ در سازمان‌های بین‌المللی قرار می‌گیرند، منطبق و سازگار نیست. لذا در صورتی که این بخش و مواد مندرج در آن، به طور عادلانه و با حسن نیت مورد تفسیر قرار نگیرند، شایسته حمایت نمی‌باشند.

کار آمدی و تأثیر طرح مسئولیت و به خصوص بخش ۵ در حال حاضر روشن و مشخص نیست و این کار آمدی و تأثیر را بایستی در رویه‌های آتی سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های عضو آن مورد مشاهده قرار داد. زیرا تا زمانی که سازو کارهای تعیین مسئولیت در سازمان‌های بین‌المللی به وجود نیاید و توسعه پیدا نکند، اشخاص ثالث در مطالبه خسارات بلا تکلیف می‌مانند و چون امکان طرح دعوی علیه آن‌ها در محاکم بین‌المللی و داخلی وجود ندارد، به مسئولیت کشور عضو برای اعمال سازمان‌های بین‌المللی فشار خواهند آورد و مجبور به مسئول دانستن کشورهای عضو به جای سازمان‌های بین‌المللی خواهند شد. لذا تا جایی که به یک سازمان بین‌المللی مربوط است، این سازمان بایستی ساز و کارهای مناسبی را برای حل و فصل اختلافات و تعیین مسئولیت به وجود آورد و قصور و کوتاهی سازمان در این رابطه، حتی باعث خواهد شد در آینده، نظریه مصونیت مطلق سازمان‌های بین‌المللی در محاکم داخلی از بین رفته و دیگر به آن اعتنا نشود و اشخاص زیان دیده مجبور شوند برای مطالبه خسارات خود یا علیه آن سازمان یا علیه دول عضو آن، در محاکم داخلی طرح دعوی نمایند.

در انتها لازم است به انتقادهای وارده به خود طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی و به خصوص بخش پنجم آن، در دو محور ماهوی و شکلی اشاره کرد. محور اول این است مفاد این طرح دقیقاً مشابه طرح مسئولیت دولت‌ها می‌باشد. کمیسیون حقوق بین‌الملل با تسری مباحث «دولت» به «سازمان» کار قانونگذاری را انجام نداده است، بلکه تنها توسعه ناموزونی را در پیش گرفته است که انطباق موضوع با حکم ندارد. درست است که سازمان‌ها و دولت‌ها تابع حقوق بین‌الملل می‌باشند اما از لحاظ ماهیت متفاوت هستند و این بدان معنا است که نمی‌شود احکام مشترکی برای آن‌ها وضع کرد. این که کمیسیون، به ویژگی‌های مشترک سازمان‌ها و دولت‌ها تکیه کرده و حکمی یکسان برای آن‌ها صادر کرده است، درست نیست و این خطای بزرگ کمیسیون بوده است. محور دوم این است که در تاریخ کمیسیون حقوق بین‌الملل برای تدوین طرح مسئولیت دولت، زمان زیادی صرف شد در حالی که روی طرح سازمان وقت زیادی صورت نگرفت و با عجله این طرح به نگارش در آمده است.

فهرست منابع

الف - فارسی

- زمانی، قاسم، (۱۳۸۸)، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، چاپ ششم، تهران: موسسه مطالعات حقوقی شهر دانش.
- موسی زاده، (۱۳۸۸)، *رضا، سازمان‌های بین‌المللی*، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات میزان.

ب - انگلیسی

- Amerasinghe, C.F., (1991)“Liability to Third Parties of Member States of International Organizations: Practice, Principle and Juridical Precedent”, *International and Comparative Law Quarterly*, vol. 40. PP.259-278.
- Arab Organization for Industrialization and Others v. Westland Helicopters Ltd., decision of 19 July 1988, Federal Supreme Court (First Civil Court).
- Aspremont ,Jean(2007)“ Abuse of the Legal Personality of International Organizations and the Responsibility of Member States”, *International Organizations Law Review* . pp. 91-119.
- Cernea, M., *Risks, Safeguards, and Reconstruction: A Model for Population Displacement and Resettlement*, The World Bank, 2000.
- Charter of the United Nations Committee on Economic, Social And Cultural Rights, General Comment, No. 15. E/C, 2002.(CESCR)

- Draft articles on the responsibility of international organizations, with commentaries 2011 , Adopted by the International Law Commission at its sixty-third session, in 2011, and submitted to the General Assembly as a part of the Commission's report covering the work of that session (A/66/10).(DARIO)
- Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, in Report of the International Law Commission on the Work of its Fifty-third Session, 2001.(DARISWA)
- European Court of Human Rights, application No. 10750/03, decision of 12 May 2009. Issued in French; text available at : www.rtdh.eu/pdf/20090512_gasparini_c_italie.pdf
- Gazzini, T., (2001)'NATO Coercive Military Activities in the Yugoslav Crisis (1992-1999)', European Journal of International Law 12. pp. 391-435.
- Grant ,T. (2009), 'International Responsibility and the Admission of States to the United Nations' Michigan Journal of international Law ,30pp. 1095-1185.
- Higgins ,R. (1995), 'Report on the Legal Consequences for Member States of the Non-fulfillment by International Organizations of Their Obligations toward Third Parties', 66-1 Y.B.Inst. Int'l Law.
- Hirsch, M. (1995), The Responsibility of International Organizations Toward Third Parties: Some Basic Principles, Martinus Nijhoff,.
- Institute de Droit International 1995 resolution on "The Legal Consequences for Member States of the Non-full filment by International Organizations of their Obligations toward Third Parties", Annuaire de l'Institut de Droit International, vol. 66-II .1996.
- International Law Commission, First Report on Responsibility of International Organizations, UN Doc A/CN.4/532 (2003).
- Interpretation of the Agreement of 25 March 1951 between the WHO and Egypt , ICJ Report, 1980.
- Judgment of 27 April 1988, Maclaine Watson & Co. Ltd. v. Department of Trade and Industry; J.H. Rayner (Mincing Lane) Ltd. v. Department of Trade and Industry and Others, ILR, vol. 80.
- Judgment of 30 June 2005, The European Courtof Human Rights Reports (ECHR), 2005-VI.
- Klein ,P. (1998), La responsibility des organization sinter nationals dansles orders juridiquesinterneset en droit des gens., pp. 469-470.
- Klabbers, J. (2009), An Introduction to International Institutional Law, Cambridge university press..
- Paasivirta, Esa (2010), Responsibility of a Member State of an International Organization: Where will it End?, International Organization Law Review, No.7.PP.49-61.
- Reparation for Injuries Suffered in the Service of the United Nations, Advisory Opinion, ICJ Reports,1949.

- Ryngaert, C. (2010), 'Immunity of International Organizations before Domestic Courts: Recent Developments', *International Organizations Law Review* 6. pp. 121-148.
- Sarooshi, Dan(2003)," Conferrals by States of Powers on International Organizations: The Case of Agency", *BRIT. Y.B INT'L L.* PP.291-335.
- Schermers H. & Blokker N,(2003)., *International Institutional Law*, Martinus Nijh off.
- Stumer, A. (2007), 'Liability of Member States for Acts of International Organizations: Reconsidering the Policy Objections', *Harvard International Law Journal* 48. pp. 553-580.
- UN Sub commission on the Promotion and Protection of Human Rights, 'The adverse consequences of economic sanctions on the enjoyment of human rights', Working paper prepared by Mr. Marc Bossuyt, UN Doc. 3/CN.4/Sub.2/2000/33. 2001.
- Wilde ,R(2005). *Enhancing Accountability at the International Level: The Tension Between International Organization and Member State Responsibility and the Underlying Issues at Stake*, *ILSA Journal of International and Comparative Law* 12. pp. 395-415.